

تعیین سطح آگاهی خانواده های دانش آموزان از نقش و جایگاه خانواده در تربیت رسمی فرزند

(بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)

زینب ثابتی^۱، مریم اکبریان^۲، محدثه پاک نظر^{۳*}

^۱دانشجو معلم، رشته آموزش ریاضی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس الزهرا(س) سمنان.

sab2002moha@gmail.com

^۲دانشجو معلم، رشته آموزش ریاضی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس الزهرا(س) سمنان.

maryam75910@yahoo.com

^۳مدرس، گروه آموزش ریاضی، دانشگاه فرهنگیان.

m.paknazar@cfu.ac.ir

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی و تعیین میزان آگاهی خانواده های دانش آموزان از نقش و جایگاهی است که در سند تحول بنیادین برای خانواده در نظر گرفته شده است. شرط نخست اینکه خانواده های دانش آموزان در برخورد با فرزندان خود، در زمینه تربیت رسمی، در راستای راهکارهای سند تحول رفتار کنند اینست که به نقش، جایگاه و حقوق خانواده در سند تحول آشنایی داشته باشند. در پژوهش حاضر برای دستیابی به هدف پژوهش از ابزار پرسشنامه (پرسشنامه معلمان و پرسشنامه والدین دانش آموزان) استفاده شده است. جامعه آماری معلمان و والدین دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان سمنان بودند. تعداد اعضای نمونه، به روش نمونه گیری در دسترس ۴۱ نفر معلم و ۶۲ نفر از والدین دانش آموزان این مقطع از سه آموزشگاه متوسطه اول دخترانه کم برخوردار، نیمه برخوردار و برخوردار شهرستان سمنان بوده است. داده های حاصل از پرسشنامه ها ی تکمیل شده بوسیله ورژن ۲۲ نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بررسی نتایج آماری نشان می دهد که معلمان و خانواده ها به نقش موثر خانواده در تربیت رسمی اذعان دارند و در کل تفاوت معناداری بین نظرات والدین و معلمان وجود ندارد ولی در مورد شش سوال خاص که از متن سند تحول بنیادین طرح شده بود، حدود نیمی از والدین آگاهی بسیار کم و کم داشتند. این نتیجه نشان می دهد آگاه سازی والدین دانش آموزان بر نقش و جایگاه خانواده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

واژه های کلیدی: تربیت رسمی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، معلم، خانواده، دانش آموز.

مقدمه

فرهنگ جامعه‌ی ایرانی مبتنی بر خانواده است. بطوریکه با گذشت زمان و تغییر سبک زندگی ایرانی، خانواده ایرانی همچنان تلاش می‌کند نقش، نفوذ و جایگاه خود را در تربیت فرزندان، حفظ کند. خانواده تربیت فردی انسانها را به عهده دارد، یعنی فعالیت‌های تربیتی را جزء کارکرد اصلی خود می‌داند و عامل سهیم در فرآیند تربیتی است (مبانی نظری سند تحول بنیادین). هر فرد موظف است بعد از اخذ سنجش‌های لازم وارد چرخه تربیت رسمی و عمومی شود. در فرآیند تربیت رسمی و عمومی حکومت عامل اصلی و خانواده مکمل آن در نظر گرفته شده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین). پس خانواده عامل سهیم و موثر در تربیت فرد است که لازمه موفقیت در انجام وظیفه‌ی خانواده آگاهی طرفین فرآیند تربیت از وظایف همدیگر است (مبانی نظری سند تحول بنیادین).

طی دهه اخیر یکی از مهم‌ترین مسائل نظام نوین تربیت در کشور ما این بوده است که نهاد‌های مختلف نظام تربیت تا مدتها، طی مراحل بنیان‌گذاری و گسترش بر مبانی نظری مشخصی استوار نبوده‌اند که در عین بهره‌مندی از دستاوردهای معتبر علمی با نظام فکری و ارزشی معتبر و مقبول در جامعه اسلامی ایران، خصوصیات فرهنگی اجتماعی و بومی کشور سازگار باشند. با توجه به این مشکل اساسی و ضرورت تحول بنیادین در نظام تربیتی و بازسازی آن مبتنی بر تعالیم و معارف انسان‌ساز اسلامی، اعضای شورای راهبردی طرح سند ملی آموزش پرورش به طور جدی پیگیر تدوین سند تحول بنیادین و مبانی نظری آن شدند. با انجام مجموعه مطالعات نظری سند ملی آموزش پرورش سعی شد تا پس از شناسایی بنیان‌های دینی فلسفی و علمی معتبر، الگوهای نظری کلان و خرد با رویکرد اسلامی و متناسب با شرایط حاکم بر جمهوری اسلامی ایران طی سالهای 84 تا 89 تدوین گردد و نهایتاً مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در اذر ماه 90 به تصویب رسید.

در قسمتی از مبانی حقوقی سند تحول حقوق زیر برای خانواده‌های دانش‌آموزان بر شمرده شده است:

1. حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود
2. حق مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی
3. حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود
4. حق نظارت بر نظام تربیت

شرط نخست اینکه خانواده‌های دانش‌آموزان در برخورد با فرزندان خود، در زمینه تربیت رسمی، در راستای راهکارهای سند تحول رفتار کنند اینست که به نقش، جایگاه و حقوق خانواده در سند تحول آشنایی داشته باشند. در این راستا سؤالاتی طرح می‌شود: آیا خانواده‌ها از این حقوق خود آگاهی دارند؟ بدیهی است که زمینه تحقق این حقوق توسط اولیای مدرسه و از همه مهمتر معلمان، فراهم می‌شود. آیا معلمان به وظایف خود در راستای ایجاد زمینه تحقق آگاهی دارند؟ آیا این آگاهی با عمل همراه است؟

هدف از انجام این پژوهش بررسی و تعیین سطح آگاهی معلمان و خانواده‌ها از نقش و جایگاه خانواده‌ها در تربیت رسمی فرزندانشان است. منظور از تربیت رسمی بخشی از جریان تربیت است که به شکل سازماندهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و

الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت (خانواده‌ها، رسانه، و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی) صورت می‌پذیرد.

فرض پژوهشگران براینست که علی‌رغم اینکه معلمان و والدین نقش اساسی و موثری برای خانواده‌ها در تربیت رسمی فرزندانشان قائلند. ولی با توجه به پایین بودن سرانه مطالعه در جامعه ما، درصد بیشتری از خانواده‌ها از حقوقی که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای "خانواده" در تعلیم و تربیت رسمی در نظر گرفته است، آگاهی کامل و مناسبی ندارند.

پیشینه پژوهش

ابوذر خاوری و همکارانش (1393)، به بررسی نقش مشارکتی خانواده در سند تحول بنیادین پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در سند تحول بنیادین برخی از اهداف و راهکارها بر نقش مشارکتی خانواده‌ها تأکید دارد و مشارکت والدین در تربیت رسمی و عمومی بیش از پیش مورد توجه می‌باشد.

پروانه آقاصفیری و سوسن کشاورز (1395)، نقش خانواده در تعلیم و تربیت اسلامی و اهداف تعلیم و تربیت اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در پژوهش ایشان بیان شده است که بیشتر والدین انتظار موفقیت فرزندانشان در زمینه تعلیم و تربیت را دارند در حالی که اغلب اوقات از تاثیر اساسی ساختار خانواده بر این امر غافل هستند. تعلیم و تربیت اسلامی به طور خاص از دیگر انواع وسیع مکاتب و گرایش‌های تعلیم و تربیت متفاوت می‌باشد که آن نیز به دلیل تعلیم انسان ساز قرآن می‌باشد.

زهرا حیدری و همکارانش (1395) در مقاله‌ای جایگاه خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی در سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله بعد از تبیین نظری مفهوم خانواده جایگاه آن در دین مبین اسلام یعنی نقش خانواده در تربیت کودک مورد بررسی قرار گرفته است. پس نتیجه گرفته‌اند که خانواده به عنوان مرکز تربیت مورد توجه کافی قرار نگرفته است. لذا جایگاه حساس خانواده نسبت به دیگر نهاد‌های اجتماعی بیشتر باید مدنظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزشی باشد.

معصومه صمدی و منیره رضایی (1390) در پژوهش تحت عنوان نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین به بررسی جایگاه خانواده پرداخته‌اند. آنان بیان کرده‌اند هم حکومت اسلامی و هم صاحب نظران حوزه‌های علمی از جمله روانشناسان و جامعه‌شناسان، تداوم نقش تربیتی خانواده را در نظام تربیت رسمی و عمومی مطرح و ضروری دانسته‌اند. هر دو حوزه پیش‌نیاز این تداوم نقش را اعتماد و حدود آن را مشارکت در سیاست‌گذاری و اجرای دستاوردهای آن را، کنترل درست بر نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، پاسخگو بودن نظام تربیت رسمی و عمومی نسبت به عملکرد خود، تقویت حسن مالکیت در خانواده‌ها، مضاعف نمودن توانمندی خانواده نام برده‌اند.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش بخشی از پژوهش گسترده‌تری است که به منظور بررسی و تعیین میزان آگاهی جامعه مرتبط با تعلیم و تربیت از مفاهیم و راهبردهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته است.

ابزارهای اندازه گیری

در پژوهش حاضر ابزار اندازه گیری با توجه به هدف این پژوهش پرسشنامه بوده است. در این پژوهش از دو پرسشنامه یکی مخصوص معلمان و دیگری مخصوص خانواده های دانش آموزان استفاده شده است. ابزار ذکر شده با توجه به مبانی نظری موجود مرتبط، از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، طراحی شدند.

جامعه آماری در این پژوهش معلمان و والدین دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان سمنان، بوده است. این مقطع به این دلیل انتخاب شد که والدین دانش آموزان در این مقطع حداقل شش سال با تربیت رسمی فرزندشان، پس از تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مواجه بوده اند.

روش نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری در دسترس بوده است. در این پژوهش ۴۱ نفر از معلمان و ۶۲ نفر از والدین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول از سه آموزشگاه کم برخوردار، نیمه برخوردار و برخوردار شهرستان سمنان، مشارکت داشتند.

بررسی روایی و پایایی

به منظور اعتبار روایی پرسشنامه ها بعد از طراحی، تعدادی پرسشنامه که به تعداد هدف مورد بررسی نزدیک تر بودند انتخاب شد و پس از غربالگری توسط پژوهشگران در دو نوبت در اختیار تعدادی از صاحب نظران امر تعلیم و تربیت، چند نفر استاد برجسته دانشگاه فرهنگیان، مشاوران مطرح خانواده و فعالان انجمن اولیا و مربیان در سطح استان سمنان، قرار گرفت.

برای بررسی پایایی آزمونها از روش دو نیمه کردن استفاده شد و ضریب همبستگی پیرسون برای پرسشنامه معلمان و والدین به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۱ بدست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده ها از طریق ورژن ۲۲ نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سپس شاخص های میانگین، نما، انحراف معیار، جداول فراوانی و نمودارهای مربوطه ارزیابی شدند.

از ۶۲ اولیای تکمیل کننده پرسشنامه والدین، ۵۳ نفر زن (۸۵/۵ درصد) و ۹ نفر مرد (۱۴/۵ درصد) بوده اند. حدود ۶۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم و باقی افراد دارای تحصیلات تکمیلی بوده اند. ۹۶ درصد اولیا در محدوده سنی ۳۰ تا ۵۰ سال بوده اند.

سوالات پرسشنامه اولیا از همبستگی درونی خوبی برخوردار بودند (میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه گردید).

نتایج حاصل از نمره دهی به پرسشنامه مربوط تعیین سطح آگاهی از نقش خانواده در تربیت رسمی فرزند ه شرح زیر است:

نمره میانگین برای پرسشنامه های حاضر برابر است با ۵۱/۲ با انحراف استاندارد ۷/۴ با توجه به نتایج مربوط به کشیدگی و چولگی و همچنین نتایج تست نرمالیتی و نمودارهای مربوطه، شواهد کافی برای رد نرمالیتی بدست نیامده است.

تکمیل کنندگان ۴۱، پرسشنامه معلمان تماما زن بودند. حدود ۶۵/۹ درصد دارای تحصیلات لیسانس و باقی افراد دارای تحصیلات بالاتر بوده‌اند. ۱۲/۲ درصد در محدوده سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال بوده‌اند، ۲۴/۴ درصد در محدوده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۶۱ درصد در محدوده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲/۴ درصد نیز بالای ۵۰ سال بوده‌اند (حدود ۸۵/۴ درصد سنی بین ۳۰ تا ۵۰ سال داشتند). در مورد سابقه

کاری ۱۴/۶ درصد کمتر از ۱۰ سال، ۲۹/۳ درصد دارای سابقه ۱۰ تا ۲۰ سال، ۵۱/۲ درصد دارای سابقه ۲۱ تا ۳۰ سال و ۴/۹ درصد نیز بالای ۳۰ سال سابقه داشته‌اند. سوالات پرسشنامه معلمان نیز از همبستگی درونی نسبتا خوبی برخوردار بودند (میزان آلفای کرونباخ ۰/۶۹ محاسبه گردید).

نتایج حاصل از نمره دهی به پرسشنامه مربوط به نظرات معلمان در مورد میزان تاثیر والدین در تربیت رسمی دانش آموزان نیز نشان می‌دهد: نمره میانگین برای پرسشنامه مذکور برابر است با ۴۶/۸ با انحراف استاندارد ۵/۴ با توجه به نتایج مربوط به کشیدگی و چولگی و همچنین نتایج تست نرمالیتی و نمودارهای مربوطه، شواهد کافی برای رد نرمالیتی بدست نیامده است.

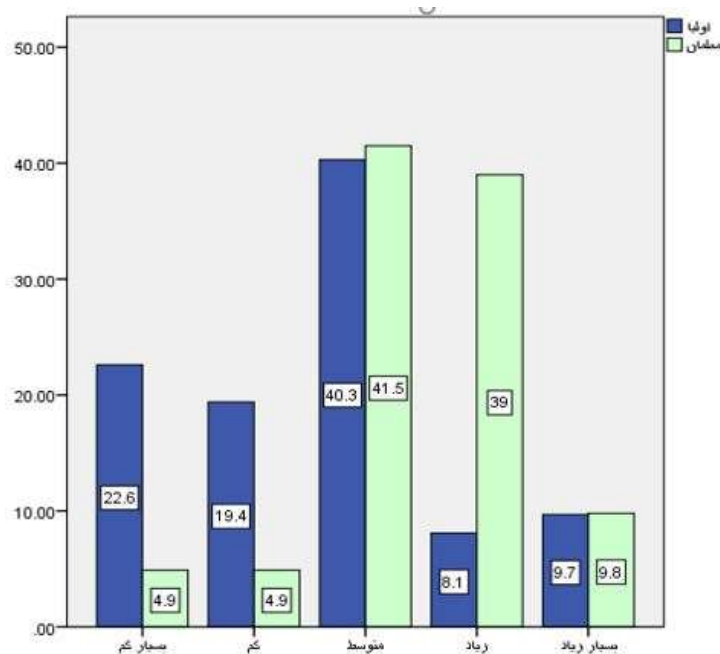
از طرفی با انجام آزمون کای دو، معنی داری تفاوت بین نسبتها مورد ارزیابی قرار گرفت (جدول ۱).

جدول ۱- نتایج آزمون کای دو

والدین	درصد پاسخهای کمتر از میانگین	درصد پاسخهای بیشتر از میانگین
والدین	۲۲/۶	۷۷/۴
معلمان	۳۹	۶۱
P-value	۰/۰۷۳	

بحث و نتیجه گیری

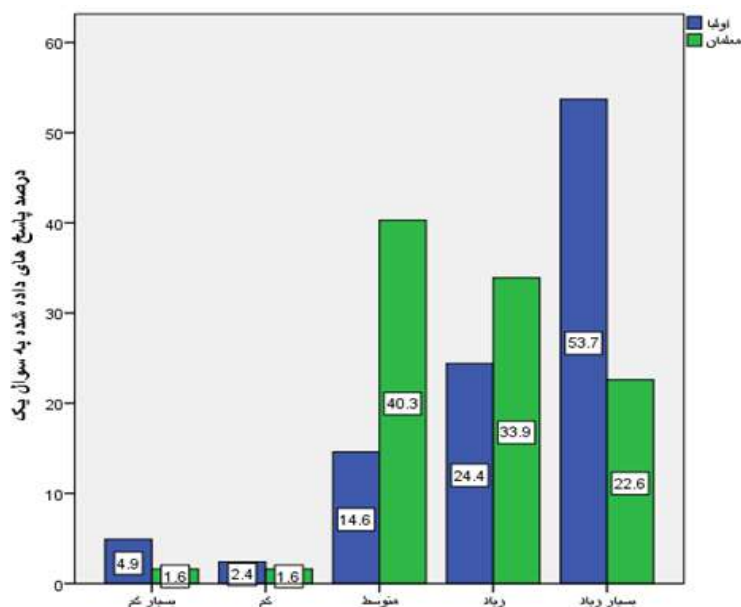
بررسی نتایج نشان دهنده این است که بیشتر والدین و معلمان، خانواده را در تربیت رسمی موثر می‌دانند. با توجه به جدول ۱ در کل تفاوت معنی داری بین نظرات والدین و معلمان وجود ندارد. اما با بررسی جزئی تر در داده‌ها در می‌یابیم که این نظرات در والدین ناشی از آگاهی نسبت به حقوق خود در سند تحول بنیادین نیست. نمودار ستونی مقایسه‌ای زیر (شکل ۱) را که مربوط به ۶ سوال برگرفته از سند تحول بنیادین است ملاحظه کنید.



شکل ۱- مقایسه درصد پاسخ به سوالات برگرفته شده از سند تحول بین دو گروه معلمان و والدین

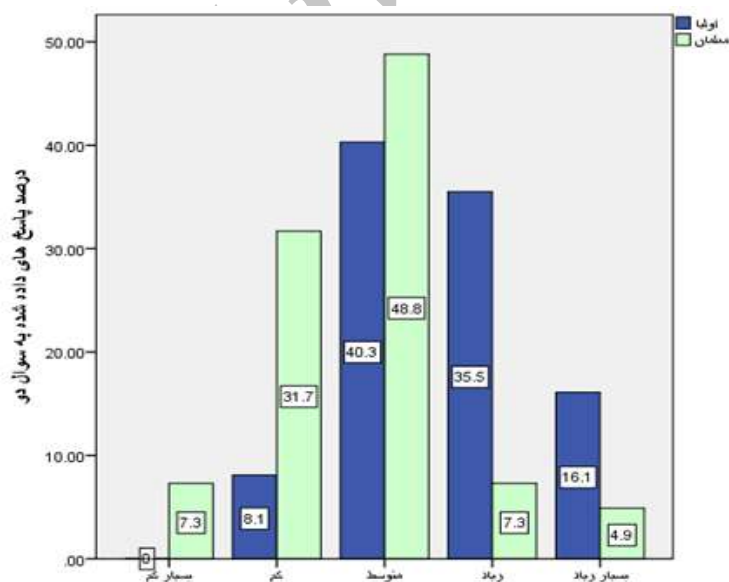
نزدیک به نیمی از خانواده‌های تکمیل‌کننده پرسشنامه، از جایگاه، نقش و حقوقی که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای "خانواده" قائل شده است، در حد بسیار کم و کم اطلاع داشتند. این میزان در معلمان به دلیل آشنایی نسبی ایشان با سند تحول، ۱۷/۸ درصد است. بعلاوه شکل ۱ نشان می‌دهد آموزشهای ضمن خدمت معلمان در جهت آشنایی با سند تحول بنیادین موثر بوده است.

پاسخهای معلمان و والدین در مورد میزان تاثیر مشارکت خانواده‌ها در امر یاددهی-یادگیری در شکل ۲ نمایش داده شده است. تنها ۵۶/۶ درصد معلمان تکمیل‌کننده پرسشنامه، مشارکت خانواده را در یاددهی-یادگیری تا حد زیاد و بسیار زیادی موثر دانسته‌اند. این درصد در مورد والدین ۷۸/۱ درصد است. این میزان نشان دهنده‌ی اینست که خانواده‌ها علی‌رغم اذعان به نقش موثر مشارکتشان در امر یاددهی-یادگیری، بازده عملکردشان از نظر معلمان کاملاً قابل قبول نبوده است. این موضوع می‌تواند به دلیل عدم آگاهی خانواده‌ها بر چگونگی همراهی در امر یاددهی-یادگیری فرزندان اشاره نماید.



شکل ۲- مقایسه پاسخ‌های معلمان و والدین به سوال یک

پاسخهای معلمان و والدین در مورد میزان اطلاع خانواده‌ها از محتوا و مفاهیم درسی دانش‌آموزان در شکل ۳ نشان داده شده است. تنها ۱۲/۲ درصد معلمان تکمیل‌کننده پرسشنامه، این میزان را زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. این درصد در مورد والدین ۵۱/۶ درصد بوده است.



شکل ۳- مقایسه پاسخ‌های معلمان و والدین به سوال دو

تفاوت آشکار درصد پاسخ‌های معلمان نمونه‌ی این پژوهش در پاسخ بسیار زیاد و زیاد در دو سوال بالا (۴۴/۴ درصد تفاوت) نشان دهنده‌ی اینست که از نظر ایشان، مشارکت خانواده‌ها در امر یاددهی-یادگیری بیشتر در موضوعات غیر درسی است. از این موضوع چنین نتیجه می‌شود که خانواده‌ها در ایجاد بستر مناسب روحی-روانی و جسمانی که منجر به یادگیری بهتر فرزندان‌شان می‌گردد تاثیر بیشتری دارند تا در یاددهی مفاهیم درسی به ایشان. مواردی چون تغذیه مناسب، تقویت اعتقادات دینی و مذهبی، ایجاد روحیه اعتماد به نفس، مهر و محبت به فرزند، نظارت بر روابط دوستانه فرزند و... از جمله موارد بسیاری است که در صورت رعایت آنها از طرف خانواده‌ها تاثیر غیر مستقیم و مثبتی در کمک به جریان یاددهی و یادگیری فرزندان‌شان صورت می‌گیرد.

پیشنهادهای

۱. راهکارهایی برای آگاهی خانواده‌های دانش‌آموزان از محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اندیشیده شود. راهکارهایی چون:

۱-۱ استفاده از پتانسیل رسانه‌ها برای آموزش به خانواده‌ها

۱-۲ ساده و روان نمودن و دسته‌بندی موضوعی مطالب مرتبط با خانواده‌ها در سند تحول برای استفاده والدین

۱-۳ برگزاری مسابقات و جشنواره‌های پژوهشی از مطالب سند تحول بنیادین

۲. با توجه به تعدد اندک نمونه در پژوهش‌های انجام شده پیشنهاد می‌گردد این مطالعه با نمونه‌های بزرگتر تکرار شود.

۳. پژوهش‌های مشابهی با کنترل متغیرهایی همچون قومیت، مقطع تحصیلی دانش‌آموزان و ... انجام گردد.

منابع

۱. آقا صفری، پروانه و همکاران (۱۳۹۵)؛ «نقش خانواده در تعلیم و تربیت اسلامی و اهداف تعلیم و تربیت اسلامی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی تازه‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران، اردکان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.
۲. حیدری، زهرا و همکاران (۱۳۹۵)؛ «جایگاه خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی در سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی تربیت معلم، اصفهان، دانشگاه فرهنگیان اصفهان.
۳. خاوری، ابودر و همکاران (۱۳۹۳)؛ «بررسی نقش مشارکتی خانواده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادی.
۴. صمدی و همکاران، معصومه (۱۳۹۰)؛ «بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۱۲۰.

5. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، عوامل سهیم و موثر در تربیت، صفحه 168،
مبانی حقوقی، صفحه 211، مشارکت و هماهنگی، صفحه 190.

Archive of SID